

## بایستگی ها و انگیزه‌های طلبگی

سید احمد خاتمی

اشاره: آیت الله سید احمد خاتمی که سال آینده وارد نیم قرن دوم زندگی اش می‌شود از اساتید پرکار حوزه علمیه در قم و تهران است و هم در عرصه علمی و هم در عرصه اجتماعی و سیاسی حضور فعال دارد. این استاد گرانقدر به برکت همین تلاش و کوشش فراوان به سرعت در حوزه قم رشد نموده است و در حوزه ای که هر کسی به آسانی نمی‌تواند کرسی درس مستمر برقرار کند از سال 64 تا کنون تدریس حوزوی وی به صورت عمومی شروع شده و هم اینک جز اساتید بارز حوزه می‌باشد. ایشان علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول و نیز شرح اصول کافی و تفسیر و ... به عنوان استاد راهنما و داور در رساله سطح چهار و سه حوزه رساله‌های متعددی را در عرصه های گوناگون راهنمایی و ساماندهی کرده است.

وی نزد اساتید بزرگی هم چون آیات عظام مشکینی، میرزا هاشم آملی، میرزا جواد آقا تبریزی، فاضل لنکرانی، جواد آملی، حسن زاده آملی، خزعلی، نوری همدانی و وحید خراسانی تلمذ نموده است.

از مهمترین تالیفات ایشان سیمای نفاق در قرآن، رسالت خواص، عبرتهای عاشورا، اخلاق سیاسی، مدیریت و تشکل در سیره امام هادی(ع)، فقه الاخلاق از دیدگاه شیخ انصاری و ... می باشد و هم چنین تا کنون صدها مقاله قرآنی، اخلاقی، تاریخی، فقهی و ... از ایشان در نشریات منتشر شده است.

آیت الله خاتمی هم اکنون علاوه بر اینکه امام جمعه موقت تهران است عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نماینده و عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان، عضو هیأت مدیره مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و عضو شورایی عالی مجمع جهانی اهل بیت(ع) می باشد.

### بایستگی‌ها و مقدمات نیتی و قصدی

از نگاه قرآن کریم آنچه به عمل آدمی شکل و قالب می‌دهد، نیت و انگیزه است. قرآن می‌فرماید: «قل کل يعمل علی شاکلته؛ هر کسی بر اساس شاکله اش عمل می‌کند»، (ای علی نیت). بنابر این بدون هیچ گونه تردیدی انگیزه بر عملکرد انسان تاثیر گذار است. در این خصوص نصیحتی که بزرگان از اولین روز طلبگی برای افراد جدید الورد در این حوزه دارند، همانا «اخلاص النیه» است. «اخلاص النیه» بدان معناست که طلبه به انگیزه فهم دین، نشر و خدمت به دین وارد محیط فرهنگی حوزه شود.

اگر کسی با انگیزه فوق وارد حوزه شود، میوه رفتاری اش میوه شیرینی خواهد بود. چنین فردی تلاش خود را معطوف بدین امر می‌نماید که گفتار و رفتار و منش او منش دینی باشد. حال اگر انگیزه‌هایی غیر از انگیزه فهم و نشر دین مورد نظر قرار گیرد - مثلاً اخذ مقامات دنیا و موقعیت‌های دنیایی و یا انگیزه درآمد بیشتر - قهراً این انگیزه‌ها آن انگیزه‌هایی نیست که بتواند از محصول این انگیزه‌ها چهره‌های بزرگ خدمتگزار دین از آن خارج شود. آری چه بسا فردی در ابتدا با این انگیزه‌ها وارد طلبگی گردد اما در ادامه با درس‌های اخلاق موثر و سازنده انگیزه‌های وی تغییر کرده و اصلاح گردد، این امر اشکالی ندارد اما اگر انگیزه‌های دنیایی باقی بماند، بدون هیچ تردیدی تاثیر منفی در مسیر طلبگی خواهد گذاشت.

### بایستگی‌ها و مقدمات اخلاقی و معنوی

آنچه با جنس طلبگی تناسب دارد و بدون آن هویت طلبگی شکل نمی‌گیرد، معنویات است. اگر طلبگی تنها منحصر در تحصیل اصطلاحات موجود در علوم دینی باشد و از معنویات بایسته اثری نباشد آنگاه این امر با هویت طلبگی سازگار نیست. با توجه به تجربه طولانی موجود در حوزه، طلابی که تقیدهای معنوی لازم را ندارند، یا توفیق ادامه تحصیل پیدا نمی‌کنند و یا اگر این توفیق را پیدا کنند، در نهایت عاقبت به شر می‌گردند. در حالات شیخ ابراهیم زنجانی است که - روحانی‌نمایی که حکم اعدام شیخ فضل الله نوری را صادر کرد - از اول طلبگی مقید نبوده و هر چه که در طول طلبگی پیش رفته، سعی در تغییر روش ناصحیح طلبگی خود نداشته و سرانجام امر بدانجا می‌رسد که حکم اعدام یک مجتهد جامع الشرایط را صادر می‌کند.

موارد اخلاقی لازم الاجرا در حیطه معنویات طلبگی عبارتست از:

- تقید به واجبات

- اهتمام به مستحبات

- تقید به ترک محرّمات الهی، نزدیک نشدن بدانها؛

- اهتمام به ترک مکروهات؛

- مراقبت از خود، مراقبت از زبان که از محدوده شرع بیرون نرود، مراقبت از چشم و گوش؛

- تقید به نوافل حتی الامکان بخصوص نافله شب.

مقام معظم رهبری در سفر مبارک خویش به شهر مقدس قم، خطاب به مسئولین حوزه فرمودند که اگر شما بتوانید طلبه‌ها را نماز شب خوان بار بیاورید، ۰۶ درصد تهذیب نفس حاصل شده است. جلوه دیگر معنویت نیز توسل و عشق به اهل بیت است.

منظور از معنویات در طلبگی امور فوق است. البته نکته اساسی و قابل دقت آنکه امور اساسی فوق نیز می‌بایست در حد اعتدال اجرا و رعایت گردند. فی المثل اگر طلبه‌ای یک ساعت شب تهجد داشته باشد آنگاه بر سر مباحثه علمی، خواب آلوده و کسل خواهد بود. چنین

فردی می‌تواند با تهجدی مختصرتر، با شادابی هر چه تمام به درس و بحث علمی خود برسد. به عبارت دیگر مطلب قابل توجه آن است که طلبه بدین باور نائل گردد که دروس علمی و طلبگی همواره می‌بایست توأم با معنویات باشد و این امر است که وی را به سر منزل مقصود رهنمون می‌نماید. با رعایت و حفظ تعادل، طلبه بدین مضمون خواهد رسید که همانا حلاوت و شیرینی طلبگی به معنویات موجود در آن است که اگر این معنویات از حوزه دروس طلبگی حذف گردند در حقیقت دروس طلبگی همانند کالبدی بی‌روح خواهد شد.

لذا با توجه به توضیحات فوق، بیداری اجباری برای نماز شب مطلوب نمی‌باشد و چنین به نظر می‌رسد که اگر طلبه به نحوی پرورش یابد که خود خواستار بیدار شدن در دل سحر باشد، بسیار سازنده‌تر و موثرتر در نفس خواهد بود. در همین راستا، بیداری یک ساعته در سحر به جهت اقامه نوافل زمانی صحیح است که این مدت زمان سحر خیزی، منجر به چرت زدن بر سر درس نگردد. البته راه دیگر خواب بعد از نماز صبح است که مانع از کسالت و خواب آلودگی هنگام درس و بحث خواهد شد.

در خصوص طلاب پایه اول با توجه به اینکه ایشان در سنین نوجوانی بسر می‌برند (که البته زمان نقش بستن فضائل در جان طلبه همین سنین می‌باشد) اجبار ایشان به نماز شب و نوافل مطلوب نمی‌باشد بلکه مطلوب، ارشاد، دلالت و نصیحت به انجام مستحباتی چون نماز شب است به گونه‌ای که پس از گذشت مدتی خود طلبه به اختیار خود خواهان بیداری و نافله سحر باشد که اگر چنین گردد آنگاه حشر و نشر با نوافل برای چنین طلبه‌ای روال زندگی طلبگی وی خواهد شد.

### بایستگی‌های زیستی (زی طلبگی)

سوال این است که بایستگی‌های زیستی مانند نوع رفتار در زندگی شخصی، میزان فراغت، معیشت، اشتغال، ازدواج، نحوه تعامل با خانواده و در یک کلمه زی طلبگی در آغاز راه چگونه باید باشد؟

زی طلبگی را به عنوان منش بایسته برای طلاب باید جدی گرفت. منتها زی طلبگی را در هر مقطعی باید متناسب با آن مقطع تعریف نمود. زی طلبگی برای طلبه پایه اول آن است که گفتارش متین باشد و با طلبگی همخوان باشد. رفتارش با منش طلبگی سازگار باشد. رفتارش با هم حجره، پدر، مادر و دوستان متناسب شأن طلبگی باشد. به عبارت دیگر رفتار طلبه‌ای که سوم راهنمایی را خوانده و الان دروس طلبگی را می‌خواند با دوست وی که در مدرسه مشغول دروس اول دبیرستان است باید متفاوت باشد. لازم است که با مثالها و مصادیق عینی، معنای متفاوت بودن را به طلبه آموزش داد. مثلاً پوشش آراستگی یک طلبه باید با دیگران متفاوت باشد. اگر خواهان حلول زی طلبگی در میان طلاب هستیم نمی‌بایست در تعلیم آن تنها به بیان تئوریک زی طلبگی بپردازیم.

زی طلبگی برای طلبه‌ای که مدتی از طلبگی وی سپری و وارد حوزه زندگی شده است تعریف خاص خود را داراست. مطابق زی طلبگی، مراسم عقد و عروسی، نیز خرید عروسی برای طلبه‌ای که عزم ازدواج دارد می‌بایست متناسب با شأن طلبگی باشد. بعد از تشکیل خانواده، رفتار درون خانه با همسر، نوع رفتار شخصی خود طلبه و همسر طلبه، حتی پوشش هر دو در حوزه زی طلبگی تفسیر می‌شود. در تمام این موارد نیاز به درس اخلاق هست و در درس اخلاق نیز می‌بایست در عوض کلی گویی و بیان تئوریک این مسائل، به بیان نمونه‌های عینی و ظرائف و دقائق اخلاقی و رفتاری مبادرت ورزد.

در رابطه با اشتغال طلبه نیز اصل بر آن است که طلبه باید محض در تحصیل باشد. و برنامه‌های روزانه خود را مطابق این اصل تنظیم نماید ولی اگر برای ادامه معیشتش ضرورت پیدا کرد که اشتغال جنبی هم داشته باشد اولویت با اشتغال‌های طلبگی است. اشتغال‌هایی که در راستای طلبگی تعریف گردد. اشتغالاتی از قبیل تحقیق و پژوهش، تعلیم و تربیت، تالیف و غیره که در این حوزه‌های کاری است که در حقیقت این گونه اشتغالات تقویت کننده مسیر طلبگی باشد. به هر حال زی طلبگی یک ضرورت است. لکن کلی است که باید در مقاطع مختلف تعریف و تفسیر شود و بهترین جای تفسیر این منش دروس اخلاق هست.

### بایستگی‌ها و مقدمات فکری (برنامه‌ریزی، مال اندیشی، آشنایی با اهداف و افق حوزه)

بنده بر این باورم که انتخاب راه طلبگی یک عشق است و باید این انتخاب با آشنایی کامل از حوزه فعالیت باشد که قصد ورود در آنرا داریم. اگر طلبه‌ای تنها بواسطه اصرار و خواسته پدر قدم در مسیر طلبگی گذارد در عین اینکه فرزند هیچگونه آشنایی با مسیر انتخابی ندارد، آنگاه چنین طلبه‌ای در معرض تزلزل خواهد بود. این امکان وجود دارد که چنین فردی پس از ورود به طلبگی اندک اندک با این مسیر آشنا شده و علاقه‌مند بدان گردد از طرف دیگر این احتمال نیز وجود دارد که با آشنایی بیشتر، از این مسیر فاصله بگیرد. لذا اگر طلبه‌ای خود با اختیار و روشنی کامل مسیر طلبگی را انتخاب نموده باشد آنگاه این امر مسئله‌ی بسیار مغتنمی بوده و حتماً آینده روشنی هم در انتظار وی خواهد بود.

برنامه‌ریزی امور طلبگی نیز در حوزه وظایف مدیریت حوزه است. طلبه به عنوان سرمایه نفیس و ارزشمند در اختیار مدیریت قرار می‌گیرد. مدیریت می‌بایست برنامه‌ریزی و مال اندیشی کرده و افق آینده را برای طلبه ترسیم نماید. آری بعد از اتمام پایه دهم، این خود طلبه است که آینده خودش را رقم می‌زند بدین صورت که فقاقت یا فلسفه و کلام یا تفسیر یا خطابه را برگزیند. از این جا به بعد در اختیار اوست اما قبل از این مرحله مدیریت حوزه می‌بایست دست به طراحی و اجرای برنامه‌ای بزند که افق علمی و معنوی مطلوبی برای طلبه ترسیم نماید. آموزش شاخصه‌ها، اصول، و نیازها و وظایف روز روحانیت و طلاب از سوی حوزه‌های علمیه امری بسیار لازم و ضروری بوده و راه بسیار مفیدی برای جهت دهی صحیح به طلاب و ترسیم افق آینده ایشان بر اساس استعدادها و توانائی‌هایشان می‌باشد.

### بایستگی‌ها و مقدمات علمی

برخی اعتقاد دارند در ابتدای راه، به طلاب نو ورود، می‌بایست عقاید و اعتقادات را آموخت و سپس مشغول ادبیات و سایر علوم شد. البته فرض بر این است که ما طلبه را از سوم راهنمایی یا دبلیم پذیرفته‌ایم و چنین فردی در طول مدت تحصیل در راهنمایی و دبیرستان (البته در دبیرستان بیشتر) با اولیات دین آشنا گشته است. لکن وجه جمع بین این نظر که فعلاً ادبیات را بگذاریم کنار و فقط به اعتقادات بپردازیم

با این نظر که همراه با سایر دروس اعتقادات نیز تدریس شود، آن است که اعتقادات و کلام همراه سایر دروس باشد و لکن وزن بیشتری برای اعتقادات قائل باشیم. وقت بیشتری روی اعتقادات طلبه بگذاریم نه تنها اعتقادات، اخلاق هم همین طور است، زیرا تجلی اعتقادات در اخلاق است.

در مسیر تعلیم اعتقادات تکیه بیشتر بر آموزش عقاید به نحو کاربردی باشد. دو شکل اعتقادات مطرح است. 1- اعتقاداتی که در سطح تئوری است. مانند براهین اثبات وجود خدا، براهین نبوت و... - 2 آوردن مسائل اعتقادی در حوزه عملی زندگی است که البته همانا شیوه طرح قرآنی اعتقادات، به گونه دوم است. قرآن کریم بدین شکل اقدام به طرح مسائل اعتقادی نموده است. قرآن هیچگاه به طرح تئوریک محض ادله اثبات وجود خدا نپرداخته است بلکه ابتدا به نحو کلی بیان نموده و سپس مبادرت به ارائه نمونه‌ها و مصادیق عینی و ساری و جاری در زندگی کرده است. لذا می‌بایست دروس اعتقادات هم در کنار سایر دروس برنامه‌ریزی نمود منتها در سالهای اول طلبگی بهای بیشتری به این دروس داده شود.

### نقش سازمان حوزه و اساتید در تقویت انگیزه

1- همانگونه که سالهای اول دبستان، سالهای شکل‌گیری اندیشه‌ی کودکان در ورود و اشتیاق یافتن نسبت به تعلیم و تعلم است، همچنین سالهای آغاز طلبگی نیز بسیار حساس است که البته این نظر دقیقاً برخلاف تصور افرادی است که گمان می‌نمایند تدریس دروس طلبگی پایه‌های اول امری سهل و آسان است. لذا متأسفانه به نکته دقیق فوق، دقت و توجه زیادی نمی‌گردد. گفتار، رفتار و حتی فرهنگ‌گویی اساتید در طلاب تاثیرگذار است. لذاست که پایه‌های اول طلبگی بسیار در آینده طلبه تاثیرگذار می‌باشد. نه تنها برای سالهای ابتدایی طلبگی درس اخلاق لازم و ضروری است بلکه حتی همان استاد صرف ساده نیز باید خود، چهره‌ای مهذب و اخلاقی داشته باشد. در گزینش و انتخاب اساتید پایه‌های اول تنها توجه مسوولین حوزه به توانایی علمی و توانایی تدریس دروس نباشد بلکه در ابتدا باید ظرفیتهای اخلاقی و زی طلبگی استاد مربوطه سنجیده شده و پس از اطمینان خاطر نسبت به توان الگودهی مطلوب استاد مربوطه سپس متوجه دیگر مولفه استاد یعنی توان علمی وی گردند. چنین به نظر می‌رسد که فرد بی‌سواد اما متقی شرافت دارد بر فرد باسواد بی‌تقوا.

بترس آنکه که دزدی با چراغ آید

چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا

2- می‌بایست مسئله نظارت بر طلاب جدی گرفته شود. بخصوص پایه‌های اول و بخصوص حوزه‌هایی که از سوم راهنمایی طلبه‌ای را گزینش می‌نمایند. زیرا که طلبه در این زمان از سن کمی برخوردار بوده و نیاز به نظارت دائمی دارد. تنها نظارت بر حضور در کلاس کفایت نمی‌نماید بلکه باید اموری چون مباحثه، زمان خواب شب، زمان بیداری صبح، زمان و میزان ناهل شب (البته بر اساس نکته مطروحه در ابتدای سخن)، میزان نگاه به تلویزیون و... مورد نظارت قرار گیرد.

از رهگذر این نظارت‌ها، آسیب‌ها باید شناخته بشود. به عنوان مثال یک آسیب آن است که فلان طلبه وسواسی شده است. آسیب دیگر تبلی فلان طلبه است، آسیب دیگر عدم رعایت منش طلبگی از سوی فلان طلبه است. پس از شناخت آسیبهای موجود در حوزه این آسیبها بلافاصله باید بدون ذکر نام توسط اساتید اخلاق حوزه در درس اخلاق مطرح شده و نسخه درمان آن ارائه گردد. بیان مباحث تئوریک اخلاقی امری حسن و پسندیده است اما می‌بایست از استاد خواسته شود تا در برخی کلاسهای اخلاق به نحو کاملاً کاربردی و جهت دار مبادرت به بیان مثلاً آسیب اخلاقی وسواس، تبلی و... و راه درمان آنها بنماید.

بسیار لازم و ضروری است که مدیر مدرسه یا معاون فرهنگی یا معاون تهذیب به نحوی دروس اخلاق را ساماندهی نماید که این دروس تکراری و ملال آور نباشد. این امر زمانی امکان‌پذیر است که مسوولین آسیب‌های حوزه خود را رصد نموده و در طول سال تحصیلی با اساتید از پیش تعیین شده و البته میرز، به توضیح و تبیین این آسیبهای اخلاقی مبادرت ورزیم. بنابراین هم در انتخاب موضوعات باید دقت کرد و هم در انتخاب اساتید.

راهکاری برای طلابی که شروع مناسبی نداشته‌اند

برای چنین طلابی راهی نیست جز آنکه با دروس اخلاق عملی اساتید، ایشان را علاقه‌مند به طلبگی نماییم. مسوولین حوزه دقت نمایند که در صورت انجام تلاشهای لازم جهت علاقه‌مند نمودن چنین طلابی و در نهایت ناامیدی از جذب ایشان به طلبگی ضرورتی بر ماندن چنین افرادی در وادی طلبگی نیست. چنین افرادی اگر در ابتدای مسوولیت زندگی بتوانند راه دیگر را انتخاب نموده و در مسیری دیگر ترقی نمایند مناسب‌تر از آنست که ایشان با اکراه در طلبگی مانده و در نتیجه توفیق پیدا نکنند و در نهایت نیز مقصر اصلی تمامی ناکامی‌های خود را دین و روحانیت بدانند.

### لزوم روحیه انقلابی و بسیجی برای طلاب

مفروض مسئله این است که طلبه می‌خواهد سخن گوی دین مردم باشد. آنکس که می‌خواهد سخن گوی دین مردم باشد باید مردم را شناخته باشد. مردم ما مردم انقلابی و بسیجی هستند و این انتخابشان نیز بر اساس بصیرت است. بسیجی و انقلابی یعنی کسی که طرفدار نظام دینی و حاکمیت دینی است. طلبه‌ای که با انقلاب مانوس نباشد و روحیه انقلابی نداشته نمی‌تواند سخن گوی این نسل باشد. در صورتی می‌تواند سخن گوی این نسل باشد که در هدف و غایت، با مردم همراه و همدل و شریک باشد. مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی، پدر آقایان لاریجانی‌ها از بزرگان حوزه نجف و از شاگردان برجسته آیت الله آقاضیاء عراقی بودند. زمانی که آیت الله آقاضیاء عراقی وارد قم شدند، مرحوم علامه طباطبائی فرمودند: دریابید میرزا هاشم را که اصول نجف به قم آمده است. ایشان مرجعی کاملاً هم سو با انقلاب بود. آن زمان که در دوران جنگ تحمیلی شهر فاو از دست نیروهای ایران رفت، آیت‌الله میرزا هاشم آملی از شدت تالم و ناراحتی تا صبح گریه می‌کردند. در مسائل انقلابی هم کاملاً همراه انقلاب بودند. اولین بزرگی که به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری را تبریک گفتند، ایشان بودند. ایشان می‌فرمودند: «اول انقلاب من رفتم پیش امام و به امام گفتم که از من پیرمرد کاری برای خدمت به انقلاب ساخته

نیست جز یک کار. من می‌توانم مجتهد بیروانم. شما 50 یا 100 طلبه تحویل من بدهید با شرایطی که می‌گوییم و ده ساله اینها را مجتهد مسلم تحویل شما می‌دهم. ولی شرایطی دارد: 1- اینکه ما اینها را از قم جدا کنیم و یک جای دیگر ببریم. یک جای خوب و خوش آب و هوا. اینها ده سال ممحض درس شوند. 2- علاوه بر شهریه همه نیازهای زندگی‌شان را تامین کنید. هیچ نیازی نداشته باشند که منبر بروند و... تا بتوانند به راحتی امورات زندگی‌شان را تحصیل کنند. «آیت‌الله آملی شرایط را گفتند تا به این مطلب رسیدند که: «شرط دیگرم این است که برای اینها دیدن تلویزیون، گوش دادن رادیو و خواندن روزنامه را تحریم کنید.» به محض بیان این سخن، حضرت امام خمینی(ره) فرمودند ما چنین مجتهدینی نمی‌خواهیم.

فردی که قصد خدمت به دین را دارد نمی‌تواند عارف به زمان نباشد. امام صادق(ع) فرمود: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس.» پس بنابراین روحیه انقلابی همراه با دیگر امور یک شرط اساسی است. لکن روحیه انقلابی به معنای ورود در احزاب نیست. به معنای ورود به گروه‌های سیاسی نیست. به معنای درس را فدای سیاست کردن نیست. روحیه انقلابی آری ولی درس و بحث و تحصیل هم آری.